

## "کارمزد" باشیم، نه "روز مزد"



آسیب‌شناسی مشکلات بهره‌وری در کشور از نگاه دکتر محسن حاجی میرزایی، رییس مرکز ملی بهره‌وری ایران

وضعیت بهره‌وری در کشور ما - به‌خصوص در صورتی که در بازه زمانی وسیع‌تری مورد بررسی قرار گیرد - از نمره خوبی برخوردار نیست و این امر نیازمند آن است که تلاش‌های خود را در این زمینه افزایش دهیم. با نگاهی به آمارهای بهره‌وری کل عوامل و نیروی کار، مطابق بررسی‌های صورت گرفته در دامنه سال‌های ۷۵ تا ۸۶ می‌بینیم که متوسط شاخص بهره‌وری نیروی کار، رقمی در حدود ۱/۷ برآورد شده است. در این دوره، بهره‌وری سرمایه نیز سالانه در حدود ۰/۲ درصد افزایش داشته است. یک و نیم درصد از بهره‌وری نیروی کار، ناشی از رشد سرمایه سرانه است. این موضوع نشان می‌دهد که اهداف پیش‌بینی شده برنامه چهارم محقق نشده‌اند و بررسی علت عدم تحقق این اهداف، علیرغم سال‌ها تأکید بر افزایش بهره‌وری از اهمیت بالایی برخوردار است. در ۳ سال آخر برنامه دوم، می‌بینیم که بهره‌وری نیروی کار منفی ۰/۳ درصد بوده است. در برنامه سوم این رقم ۲/۶ درصد و در ۳ سال اول برنامه چهارم ۲/۶ درصد می‌باشد. بهره‌وری سرمایه هم در بسیاری از سال‌ها منفی بوده و با وجود طی کردن روندی مثبت در برخی سال‌ها، به طور میانگین این رقم پایین است. در تبیین علت این امر باید گفت، رویکرد اقتصاد ایران، رویکردی "نهاده محور" است. در واقع به دلیل برخورداری کشور از منابع فروش نفت و گاز، تأکید بیشتر اقتصاد بر نهاده‌ها است و این باعث می‌شود عمدتاً بر فعالیت‌های نهاده محور تمرکز کنیم و بهره‌وری مغفول بماند.

تقریباً همه دولت‌ها با مشکل طرح‌های نیمه تمام مواجه هستند و تأخیر در اتمام این طرح‌ها - که بعضاً به کاهش ارزش اقتصادی آنها می‌انجامد - باعث می‌شود ارزش افزوده متوسط سرمایه مصرفی حاصل نشود و این امر، جریان بهره‌وری سرمایه را در کشور تضعیف نماید. به عبارتی، نظام تصمیم‌گیر کشور در تخصیص منابع به گونه‌ای عمل کرده است که بهره‌وری سرمایه وضعیت خوبی ندارد و باید این دغدغه به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد.

در این راستا باید به این نکته اشاره کرد که واژه **Productivity** که در کشور به بهره‌وری ترجمه شده، واژه‌ای اقتباسی است و به فرهنگ ما تعلق ندارد و هنوز تبیین دقیقی از آن ارایه نشده است. نتیجه آن که تنها شکل صوری این واژه را مورد توجه قرار داده‌ایم. تقریباً بسیاری از تکنیک‌های بهره‌وری که در دنیا متداول هستند، در کشور ما به کار گرفته شده‌اند، ولی تأثیرات مورد انتظار حاصل نشده است. مفهوم بهره‌وری در کشور، باید متناسب با فرهنگ و سنت ایرانی بازتعریف شود. هسته اصلی مفهوم بهره‌وری، نوع رابطه‌ای است که انسان با منابع برقرار می‌کند و این امر، نکته تمایز جوامع از یکدیگر است. لذا جامعه‌ای که ارزش بالاتری را برای منابع قایل است، قادر به خلق بهره‌وری بالاتری خواهد بود. هدف، اولین و مهمترین عاملی است که نوع رابطه ما را با منابع تعیین می‌کند، چرا که نوع هدف است که ما برای تحقق آن، نیازمند بهره‌گیری از منابع هستیم. اگر هدف‌گذاری ما درست نباشد، منابع ما ضایع می‌شوند و نتیجه این امر، افت بهره‌وری است.

این موضوع، دقیقاً به معنای اعتبار اهداف است. این که علیرغم تغییرات اساسی در بسیاری از شاخصه‌های اقتصادی کشور، در مجموع در مواردی همچون فقرزدایی، تحقق عدالت، انسجام، انضباط، رشد مستمر تولید و افزایش درآمد سرانه به صورتی

همانگ موفق نیستیم، به این معنا است که ما مصالح بسیاری را فراهم کرده‌ایم، اما عمارت‌های کمی ساخته‌ایم. موضوع بعد، لزوم تنوع منابع برای تحقق اهداف است. سرمایه‌های اجتماعی، منابع طبیعی و نیروی انسانی، مواردی هستند که اهداف را تضمین می‌کنند. تکیه بر منابع استخراجی و نفت به دلیل عدم استمرار آن، منجر به رشدی ناپایدار می‌شود، در حالی که اتکا به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی می‌تواند به ایجاد رشد بیشتر در کشور بی‌انجامد. لذا بهره‌وری در ایران به دلیل عدم تناسب اهداف و نهاده‌ها، همواره با چالش‌های اساسی مواجه بوده است.

ارزیابی و پیگیری تحقق اهداف با ابزار منابع نیز مهم است. به عبارتی نظام‌های ارزیابی و محاسباتی در کشور ما نسبت به نتیجه‌بخشی اهداف حساس نیستند. طبیعی است که در این شرایط، به لحاظ بهره‌وری آسیب خواهیم دید. حال این سؤال مطرح است که با صرف چه میزان منابع به اهداف مدنظرمان می‌رسیم؟ این موضوعات، همگی تعیین کننده بهره‌وری در اقتصاد کشور ما هستند.

در بحث بهره‌وری، آنچه بیشتر تاکنون مورد توجه قرار گرفته، تمرکز بر عارضه‌ها بوده، نه توجه به ریشه‌ها. در بررسی ریشه‌ها باید دید چقدر مجموعه شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، فراهم آورنده تقاضای قوی برای بهره‌وری هستند؟ شرایط موجود جامعه، نه تنها کشور را به سمت بهره‌وری سوق نمی‌دهند، بلکه جامعه را از بهره‌وری دور می‌کنند. به علاوه متأسفانه نظام بودجه‌ریزی در کشور ما مبتنی بر هزینه است و دستگاه‌ها برای اختصاص منابع بیشتر برای تأمین هزینه‌ها با یکدیگر در رقابت هستند و کمتر این امر مورد توجه قرار می‌گیرد که این منابع، به چه میزان توانسته‌اند ارزش ایجاد کنند. بنابراین در ریشه‌یابی وضعیت بهره‌وری باید گفت به شدت از لحاظ دو عامل میزان تقاضا نسبت به بهره‌وری و همچنین امکان‌پذیر بودن خلق بهره‌وری در جامعه، با مشکل مواجه هستیم. تحقق هر پدیده به شرایط و راهبردهایی بستگی دارد که توانمندی‌های لازم را برای تحقق اهداف ایجاد می‌کنند. اما باید علاوه بر دانش، تجربه و مهارت، تقاضای قوی بهره‌وری هم فراهم باشد. از سوی دیگر باید امکان تحقق آن هم فراهم شود. در برنامه‌های پیشین، بیشتر بر افزایش توانمندی‌های جامعه تأکید شده و مسایلی همچون واردات تکنیک‌ها، دانش بهره‌وری، آموزش، همایش و مواردی از این قبیل مورد توجه جدی بوده است، در حالی که این همه ماجرا نیست.

### الگوپذیری از مدل‌های جهانی

اصل تقسیم منافع، یکی از اصولی بود که پس از تعریف بهره‌وری در اقتصاد ژاپن و در پاسخ به نگرانی نیروی کار ژاپنی که افزایش بهره‌وری را شکلی از استثمار نیروی کار می‌دانست مطرح شد. بر اساس این اصل، هر کس به میزان دخلتی که در افزایش سود ناشی از ارتقای بهره‌وری دارد، از فواید آن سهم می‌برد. در شرایطی

در برنامه پنجم به همین دلیل صورت گرفت تا زیرساخت‌های لازم را برای تحقق بهره‌وری فراهم کند. لذا باید گفت هر آن چه جای کار و تلاش را بگیرد، مناسبات درونی جامعه را مخدوش می‌کند، روابط اجتماعی را مورد آسیب قرار می‌دهد، به کسب و کار در آن جامعه ضربه می‌زند، بخش خصوصی را تضعیف می‌کند، رابطه دولت و ملت را به چالش می‌کشد و انتظارات جامعه را به صورتی افسارگسیخته بالا می‌برد. لذا باید اهداف کشور با اتکا به جریان کسب و کار محقق شوند تا در این شرایط، کسب و کار و رفع بیکاری، برای دولت یک هدف استراتژیک تلقی گردد. همه دولت‌ها خواهان حل معضل بیکاری بوده‌اند، اما در بهترین شرایط بیکاری برای دولت‌های ما یک هدف اجتماعی بوده و نه یک هدف راهبردی. لذا تا زمانی که نیاز دولت به کار جامعه بیش از نیاز فرد به کار خودش نباشد، حل بیکاری غیرممکن خواهد بود. در این شرایط باید اتکای خود را تا حد ممکن از نفت به سمت جریان کسب و کار منتقل کنیم. در شرایط کنونی که بحث هدفمندی پارانه‌ها مطرح است، توفیق اجرای طرح، منوط به فاصله گرفتن از درآمدهای نفتی است. اگر در این امر توفیق حاصل شود، موفقیت این طرح تضمین خواهد شد. ■

## آفته قفقاز

## جنگ خاموش



از نگاه دکتر میرقاسم مؤمنی، رییس انجمن دوستی ایران و برزیل، در روابط آمریکا-روسیه، "جنگ خاموش" جایگزین "جنگ سرد" شده است.

روس‌ها در قفقاز استفاده می‌کنند. اگر به سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم نظر بی‌افکنیم مشخص می‌شود که آمریکاییان جهت تحت تأثیر قرار دادن کشورهای هم‌پیمان با روسیه، سعی داشتند مدل‌های پیشرفته‌ای در مقابل کشورهای بلوک شوروی ایجاد نمایند. ایجاد آلمان غربی پیشرفته در مقابل آلمان شرقی عقب مانده، کره جنوبی پیشرفته در مقابل کره شمالی عقب مانده و یا ژاپن پیشرفته در جنوب شرق آسیا، همه اینها بخشی از سناریوی جنگ روانی آمریکا علیه شوروی بود.

## جنگ ابرقدرت‌ها

در حال حاضر، آمریکا و اروپا از همین تجربه جهت تحت تأثیر قرار دادن جمهوری‌های قفقاز جنوبی و ارمنستان استفاده می‌کنند. اروپایی‌ها سعی دارند با ایجاد بسترها و ساختارهای مدرن و پیشرفته در گرجستان، توجه جمهوری‌های پیرامون روسیه را به خود جلب کنند و در واقع، گرجستان به‌عنوان ویتربین شکارها و وعده‌های غرب در قفقاز فعالیت خواهد کرد. به همین جهت، روسیه سعی دارد که از هر طریقی زمینه شکست این جنگ را تحقق بخشد. اما واقعیت این است که آمریکاییان یک برنامه و سناریوی از پیش طراحی شده برای روسیه فعلی که علیرغم فروپاشی شوروی، تهدیدنی بالقوه علیه جهان غرب می‌باشد دارند که نتیجه آن مهار روسیه است. به همین جهت یک جنگ خاموش و نرم همچون جنگ سرد دهه ۷۰ بین دو ابرقدرت به راه انداختند و به نظر می‌رسد در این نبرد تنگاتنگ، روسیه شانس کمتری برای برد داشته باشد، چون اروپاییان و آمریکاییان از ضعف سال‌های بعد از فروپاشی، جهت محاصره روسیه و تضعیف آن کشور کمال استفاده را برده‌اند. ■

که چنین اصلی در کشور ما برقرار نیست، چگونه می‌توان انتظار افزایش بهره‌وری را داشت؟ نیروی کار در بخش دولتی "روزمزد" است، نه "کارمزد". یعنی به جای آن که در برابر کار معینی دستمزد دریافت کند، در ازای وقتی که صرف می‌کند درآمد کسب می‌نماید. بنابراین لازم است تا مسایل دیگری را در این زمینه مرور کرد.

دو الگو را می‌توان برای بررسی بهره‌وری در اقتصاد ایران بیان کرد؛ یک الگو به منابعی باز می‌گردد که حاصل از جریان کسب و کار جامعه است و الگوی دیگر، اتکای مردم به دولت و اتکای دولت به منابع ثابتی است که ناشی از کسب و کار نیستند. در حالت دوم، امکان ندارد بهره‌وری شکل گیرد، چرا که در این حالت، نیروی انسانی به شکلی غیرکارا مورد استفاده قرار می‌گیرد. در چنین حالتی، روابط مبتنی بر همکاری بین نیروی کار، نوعی بر رقابت در کسب سهم بیشتر از منابعی که خود اشخاص در ایجاد آن نقشی نداشته‌اند تبدیل می‌شود. همین امر باعث شده تا بنگاه‌ها به دنبال کسب سود مستقل از کیفیت باشند و هر بنگاه، حیات خود را متأثر از اتصال به این منابع ببیند. در این شرایط، جریان بهره‌وری پیش نخواهد آمد و در نتیجه برای اصلاح این وضع، باید جریان اهداف اقتصادی را به چرخه بهره‌وری منتقل کنیم. ایجاد صندوق توسعه ملی

فروپاشی دیوار برلین جنگ سرد را به فراموشی سپرد. ولی روابط روسیه-آمریکا در کجا قرار دارد؟ قفقاز آفته قابل تأمل ارایه می‌کند. انقلاب نازنجی در گرجستان، اگرچه نظام سیاسی و بنیادی گرجستان را دچار تغییر و تحول نمود و موجب تیرگی روابط با روسیه گردید، اما دستاوردهایی را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اداری به دنبال داشت. گرجستان به عنوان یکی از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی ۷۰ سال در قالب نظام کمونیستی و بوروکراسی اداره می‌شد و بعد از فروپاشی نیز شورانزاه، از رهبران شوروی سابق، اداره این کشور را به دست گرفت و کماکان همچون دوران شوروی اداره این کشور ادامه یافت. با روی کار آمدن جوان تحصیلکرده آمریکایی به‌نام یوشچنکو که در یک انتخابات انقلابی، رقیب با سابقه خود را از صحنه سیاسی گرجستان کنار زده بود، تغییر و تحولات در این منطقه آغاز شد. بحث سلسله انقلاب‌های زنگی در کشورهای CIS زنگ خطری بود برای سران کرملین. چرا که اگر این روند ادامه می‌یافت، احتمال فروپاشی روسیه فدراتیو با حمایت غرب متصور بود. به همین جهت مقامات روس از بدو فعالیت سران انقلاب نازنجی در گرجستان در صدد تضعیف این کشور برآمدند. روس‌ها بعد از سال‌ها استقرار نیروهای نظامی خود در گرجستان، مجبور به تخلیه این کشور شدند و موقعیت روسیه در این کشور تضعیف گردید.

از همه مهمتر این که پیشنهاد عضویت گرجستان در پیمان نظامی ناتو از سوی سران غرب و آمریکا مطرح گردید که همه این عوامل، روسیه را در وضعیتی خاص قرار داد. شعارهایی که از تقلیس سر داده می‌شد با سیاست‌های کرملین منافات داشت. به همین جهت روسیه با استفاده از نفوذ سنتی خود در مراکز مرزی این کشور، سعی کرد یک دیوار هایل بین خود و گرجستان ایجاد نماید که نتیجه آن جنگ آبخازیا و اوستیای جنوبی در سال ۲۰۰۸ و اعلام جدایی از گرجستان با حمایت روس‌ها بود. این امر روابط دو کشور را به چالش کشاند. در حال حاضر با حمایت اتحادیه اروپا و آمریکا، سیستم روس‌زدایی در گرجستان شروع شده است. طبق این سیاست، آمریکاییان و اروپاییان با استقرار نیروهای نظامی خود، اقدام به تغییر و تحول نظام سیاسی، اقتصادی و صنعتی این کشور نموده‌اند. اروپاییان از یک تجربه تاریخی جهت به زانو در آوردن